

دیده بان حقوق بشر

فشرده گزارش سالانه

جنوری 2007

افغانستان در اواخر سال 2006 بار دیگر در لبه پرتگاه قرار گرفت و به مکان امنی برای ناقضین حقوق بشر، جانیان، و افراطیون مسلح مبدل شد. اکثریت این ناقضین در گذشته نه چندان دور نیز باعث اذیت و آزار افغانان و بخصوص زنان و دختران و بی ثباتی کشور، منطقه و جهان شده بودند.

موجودیت خلاء قدرت در بسا نقاط کشور زمینه بهره برداری را برای شورشیان طالبان، ملیشاه های قومی، و جنگسالاران محلی فراهم آورد. این گروهها بشکل روزافزونی دست به خرابکاری و ترور افراد عام زده و با حمله بر "اهداف آسان" مانند مکاتب و معلمین و چهره ها مذهبی و وحشت را در میان مردم عوام ایجاد نمودند. گروههای فوق می خواستند با این اعمال ناتوانی دولت را در تامین امنیت و حمایت از ساکنین محل نشان دهند.

تجارت پررونق مواد مخدر در این سال قسماً عامل و قسماً تمویل کننده ناامنی ها و خشونتها در افغانستان بود که با رشد 60% نسبت به سال 2005 رکوردی قائم کرد. این تجارت نصف درآمد کشور و 92% هیروئین جهان را تشکیل میدهد.

در اینسال، نا آرامی در جنوب و جنوبشرق افغانستان به جنگ تمام عیار مبدل شد، باآنکه نیروهای ناتو که وظیفه تامین امنیت در افغانستان را مطابق به فیصله های سازمان ملل متحد به عهده دارد ساحه فعالیت خود را به سراسر افغانستان گسترش داد. در نقاط دیگر کشور، افغانها روزمره مورد ظلم و ستم جنگ سالاران و ملیشاه های محلی که ظاهراً با دولت افغانستان همنا اند قرار داشت. مردم از بی کفایتی و ناهماهنگی میان نیروهای یاری امنیتی بین المللی و مساعدت های مالی جهانی در سراسر کشور و حتی در کابل ناراض و خشمگین بودند. ضمناً، مردم افغانستان از ضعف کارایی دولت پرزدنت کرزی و فساد اداری عاملین آن گله مند بودند. دولت نیز در بسیاری موارد نه میل و نه توانایی حمایت از مردم عام را داشت.

علیرغم رشد درآمد سرانه (که بیشتر مدیون تجارت مواد مخدر است) پیشرفت های اقتصادی در مناطق شهری و بخصوص در کابل متمرکز شده است. نقض حقوق بشر، فقر و ناامنی بشکل قابل توجهی با افزایش فاصله از مراکز ولایات افزایش میابد. برخورد های مسلحانه و ناامنی پیشرفت های اقتصادی را در اکثر نواحی افغانستان، که یکی از عقبمانده ترین کشورهای جهان است، بامشکلات جدی و حتی با عقبگرد مواجهه ساخته است. بازسازی بالخصوص در جنوب افغانستان آسیب دیده و این نقیضه بیشتر بر خشم مردم محلی افزوده است.

خشونت و ناامنی

تا تحریر این نوشتار، بیشتر از یک 1,000 شهروند غیرنظامی در نتیجه برخورد های نظامی بین شورشیان و نیروهای ناتو و دولت در جنوب افغانستان در سال 2006 کشته شده اند. رویهمرفته، بیشتر از 4,000 نفر در نتیجه منازعات در سال 2006 کشته شده اند که این رقم دوبرابر افراد کشته شده در سال 2005 و بیشتر از هر سال دیگر از زمان سقوط طالبان تا به امروز می باشد. مطابق آمار سازمان ملل متحد، شمار بیجا شده گان در جنوب افغانستان 15,000 فامیل- تقریبا 80,000 نفر- می باشد.

طالبان و نیروهای ضد دولتی بیشتر از 200 حمله انتحاری را در این سال انجام داده اند که قربانیان آن را اغلب افراد غیر نظامی تشکیل میدادند. حملات نیروهای مخالف دولت برهبری ملاح عمر، گلبدین حکمتیار، جلال الدین حقانی بر مکاتب، معلمین و شاگردان نسبت به سال 2005 رشد بیسابقه ای داشته است؛ از آنجاییکه این حملات مقاصد غیرنظامی را هدف قرار میدهند جنایت جنگی بحساب می آیند. در بعضی ولسوالیها این حملات باعث شده است تا مکاتب مسدود گردند و معلمین و کارکنان سازمان های خیریه که مصروف تهیه امکانات آموزشی اند حملات را ترک گویند. بیشتر از 200,00 دانش آموزی که در سال 2005 شامل مکتب بودند از آموزش تعلیم امسال محروم گردیده اند.

بیشتر از 170 سرباز خارجی در جریان نبردهای سال 2006 کشته شده اند. با آنکه ناتو و نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا می کوشیدند تا به افراد غیرنظامی آسیب نرسانند، اما تکیه بیش از حد این نیروها بر قوای هوایی که بیشتر بخاطر کمبود نیروی زمینی از آن استفاده می کنند باعث نگرانی های جدی ای شد. حوادثی مانند کشتار غیرنظامیان در چندین حادثه سوالاتی را در مورد توانایی این نیروهای ناتو و قوای ائتلاف تحت رهبری آمریکا بمیان آورد که آیا این نیروها می توانند که چنانچه باید میان جنگجویان و غیرنظامیان در این گونه عملیات تفکیک قائل شوند.

در جنوب افغانستان، رهبران قومی ای مانند شیرمحمد آخوند زاده، والی هلمند، که بخاطر فساد و دست داشتن در تجارت مواد مخدر از مقامش برکنار شد توانستند با موهبت کرزی نیروهای خودسر وفادار به خود را تحت قیادت داشته باشند. در سراسر کشور، جنگسالارانی مانند عبدالرب الرسول سیاف، برهان الدین ربانی، جنرال عبدالرشید دوستم، و کریم خلیلی معاون رئیس جمهور که در جریان جنگ های داخلی در اوایل سالهای هفتاد خورشیدی متهم به ارتکاب جنایات جنگی اند، تا کنون صاحب مقام اند و به سوء استفاده از قدرت خود ادامه میدهند.

ضعف دولت

دولت پرزدنت کرزی جهت رفع فساد گسترده و مهار جنگسالاران و ملیشاه های خودسر امسال نیز نتوانست تلاش کافی انجام دهد. چه بسا، که دولت به خواسته های آنان تن در داده و اختناق سیاسی را بخاطر موجودیت ناامنی توجیح کرده است. در حالیکه چنین رویه ای باعث تضعیف مشروعیت دولت و روگردانی مردم عام افغان از دولت شده است. در ماه جون ریاست امنیت ملی (دستگاه استخباراتی دولت) یک لست را در میان خبرنگاران افغان توزیع کرد که هدف از آن وضع قیوداتی در مورد ارائه گزارش در باره خرابی وضعیت امنیتی بود. ریاست

امنیت ملی در مواردی دست به تهدید زده و با شیوه های خشن اقدام به جمع آوری معلومات و خاموش سازی منتقدین دولت کرده است.

پرزدنت کرزی در ماه می عمیقاً روند مهم اصلاحات دستگاه پولیس را با تقرری ناقصین حقوق بشر و جنگسالارانی چون بصیر سالنگی و غلام مصطفی به ریاست پولیس منطوقوی خدشه دار ساخت. این در حالیست که افراد مذکور مطابق لایحه تقرری پولیس واجد شرایط احراز این مقامها نمی باشند. پولیس کابل که تحت فرمان امان الله گنر قرار دارد در ماه می از خشونت غیرلازم در مقابل مردمانی استفاده کرد که بخاطر غصب زمین های زراعتی خود توسط عبدالرب الرسول سیاف، که عضو پارلمان و یکی از بدنام ترین ناقصین حقوق بشر در افغانستان می باشد، در پیمان گردهم آیی کرده بودند.

زنان و دختران

زنان افغان شدیداً از موقعیت پایین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رنج می برند. زنان افغان در پایین ترین سطح معیارات جهانی قرار دارند: حد اوسط عمر 46 سال، مرگ مادران در موقع زایمان 16,00 از هر 100,000 و باسوادی 12.6% در میان زنانی از 15 سال به بالا می باشد. زنان و دختران بخاطر کارکردن با مشکلات و در گشت و گذار با قیودات روبرو اند؛ طور مثال، زنان بدون یک مرد همراه و یا برقه نمی تواند مسافرت کنند. باآنکه بعد از سقوط طالبان شمار دختران شامل مکتب سریعاً افزایش یافت، اما در سال 2006 فقط 35% دخترانی که سن و سال متناسب با مکتب دارند به آموزش مصروف اند. خشونت های که متوجه مکاتب است، مدارس دخترانه را شدیداً آسیب رسانده است.

آنچه زنانی که در امورات اجتماعی و سیاسی فعال اند با خشونت و تهدید مواجهه اند که اکثراً این تهدیدات از طریق شبنامه ها پخش می شوند. صوفیه عمه جان، معلم برجسته، فعال حقوق زن، و یکی از مسئولین دولتی در ماه سپتامبر در کندهار کشته شد. ملالی جویا، یکی از اعضای پارلمان از ولایت فراه، بعد از انتقاد از آن اعضای پارلمان که در نقض حقوق بشر در گذشته و امروز دست دارند مورد حمله فیزیکی در داخل پارلمان قرار گرفت.

خشونت علیه زنان یک پدیده عام است و کمتر مجرای قانونی برای رسیدگی به آن وجود دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 704 واقعه خشونت علیه زنان را امسال ثبت کرده است که 89 حادثه مربوط به ازدواج اجباری و 50 مورد خودسوزی را شامل می شود که یک رقم فزاینده را نسبت به سال 2005 نشان میدهد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باور دارد که ارقام ثبت شده فوق یک رقم نهایت ناچیزی است که نمی تواند میزان واقعی خشونت علیه زنان افغان را نشان دهد. زیرا زنان نمی خواهند بخاطر ننگ های اجتماعی و ضعف دستگاه قضایی مشکلات خود را گزارش دهند. مطابق آمار وزارت زنان افغانستان یک سوم ازدواج ها در سال جاری در افغانستان اجباری بوده است و بیش از نصف دختران کمتر از 16 سال داشته اند که سن قانونی ازدواج در افغانستان بحساب می آید.

چند اقدام دولت در این سال موقعیت از قبل تضعیف شده زنان را بیشتر ضربه پذیر ساخت. دولت با این اقدامات می خواست تا از یک جانب حمایت قشر محافظه کاران افراطی جامعه را بدست آورد و از جانبی دیگر با تبلیغات ضد غربی گروه های مخالف مقابله نماید. در ماه جون، کرزی پیشنهادی را مبنی بر تاسیس دستگاه امر به معروف

و نهی از منکر به پارلمان فرستاد. برخورد غیر انسانی این دستگاه در دوره زمامداری طالبان تاهنوز در اذهان باقی است. دستگاه فوق زنان را بخاطر کوچکترین غفلت در نحوه لباس پوشیدن و تنها مسافرت کردن مورد تنبیه قرار می دادند. تا تحریر این گزارش، پارلمان در مورد تاسیس این دستگاه بحث نکرده است. اما در ماه نوامبر، پارلمان انحلال وزارت زنان را به بحث گرفت. باآنکه وزارت زنان یک نهاد اجرائیوی ضعیفی است، اما از لحاظ سمبولیک نقش برجسته ای را در بهبود وضعیت زنان افغانستان بازی کرده است.

دادرسی و عدالت

پرزدنت کرزی " برنامه عمل عدالت عبوری" را که شامل یک روند پنج ساله برای جمع آوری معلومات در باره جنگ و خشونت های گذشته افغانستان و شیوه های رسیدگی به آن می شود امسال اعلان کرد. کابینه کرزی برنامه فوق را در سال 2005 تصویب کرده بود، اما نتوانسته بود آن را بخاطر فشار افراد متهم به نقض حقوق بشر که در دولت حضور دارند اعلان بدارد. بلافاصله بعد از آنکه برنامه عمل عدالت عبوری توسط پرزدنت کرزی اعلان گردید، تعدادی از ناقضین حقوق بشر مانند ملا عمر، حکمتیار، برهان الدین ربانی، عبدالرب الرسول سیاف، اسماعیل خان مخالفت شان را با این برنامه علنا ابراز داشتند.

طالبان و نیروهای ضد دولتی از ناتوانی دولت بخاطر رویارویی با جنگسالاران درون حاکمیت در جهت اعتبار زدایی اداره تحت رهبری کرزی و حامیان بین المللی آن بهره جستند. طالبان در مناطق جنوبی افغانستان به تطبیق خشن عدالت به نحوه خودشان پرداختند و از خلاء وعده های سپرده شده جوامع بین المللی در استقرار یک نظام قضایی کار آسود بردند.

اسدالله سروری، که مسئولیت دستگاه خشن استخباراتی دولت کمونیست ها را در اواخر سال های 1970 به عهده داشت، بعد از یک محاکمه ای که فاقد معیارات شناخته شده بین المللی بود در مارس 2006 به مرگ محکوم شد. تا تحریر این نوشتار حکم موصوف اجرا نشده است.

دستگاه قضایی در سپتامبر متهم اصلی در قتل پنج کارمند "داکتران بدون مرز" را که در سال 2004 کشته شده بودند از زندان آزاد ساخت. متهم بخاطر عدم موجودیت اسناد و شواهد در جنوری 2006 بی گناه شناخته شد، اما بنا بر درخواست دادستان در اسارت باقی ماند. متهم بعد از آن آزاد شد که داگاه اظهار داشت که دوسیه او دیگر در گردش نمی باشد و متهم حداکثر موعدی را که قوانین افغانستان اجازه میدهد در زندان سپری کرده است.

رفتار جامعه بین المللی

کمک های نظامی و اقتصادی جامعه بین المللی به افغانستان از زمان سقوط طالبان تاکنون در مجموع برابر با یک دهم آن مساعدت های می شود که جامعه بین المللی به دیگر کشورهای بعد از جنگ کمک کرده است. در 31 جنوری و 1 فبروری هیئت های بلند پایه ای بیش از 60 کشور جهان در لندن گرد آمدند تا یک چارچوبی را برای انکشاف افغانستان بنیاد گذارند. این چارچوب که بنام "قرارداد افغانستان" از یاد می شود جایگزین توافقنامه بن شد که راهنمایی سیاسی ای بود برای افغانستان بعد از طالبان که در نتیجه حمله نظامی نیروهای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده امریکا در سال 2001 سقوط کرد. در کنفرانس لندن تمام وعده های سپرده شده جامعه بین المللی به

افغانستان برای 5 سال آینده 11 بلیون دالر امریکایی رسید، که در مقایسه با 28 بلیون دالر امریکایی که دولت افغانستان و بانک جهانی تقاضا آن را کرده بودند یک رقم بس ناچیزی می باشد.

بهمان ترتیب، نیروهای یاری امنیتی در افغانستان (بشمول نیروهای تحت امر ناتو و ایالات متحده امریکا در مجموع 40,000 نفر می شوند) بمراتب کمتر از آنچه است که کارشناسان نظامی برای تامین امنیت و مقابله با شورشیان در این کشور لازم میدانند. در حالیکه ایالات متحده از برنامه قبلی اش برای کاهش نیروهای نظامی خود در افغانستان صرفنظر کرد، سایر کشور های عضو ناتو تمایلی چندانی برای افزایش شمار نظامیان و کمک های لجستیکی خود در افغانستان تا کنون چندان نشان نداده اند.

نیروهای ضد دولتی و قاچاقچیان مواد مخدر از مناطق مرزی میان پاکستان و افغانستان منحصی پناهگاه استفاده کرده و آزادانه به رفت و آمد می پردازند. این عمل سوءظن های را در مورد نیات و همدستی پاکستان در ناآرامی های افغانستان بیار آورده است.